

تازه‌های نشر عربی

علی علی محمدی *

ورای بسیاری از فعالیت‌های زبان‌شناسی درون گفتمان می‌ایستد - برانگیخته شود. این گرایش لزوماً رفتار و اقدام زبان‌شناسی را در سطح زبان‌شناسی شناخته‌شده رد نمی‌کند، اما معتقد است که منظومه‌های تداوم و پیوند که زبان و فرهنگ آن را مطرح می‌کند، در پی‌ریزی فرهنگی زبان‌شناسی گفتمان شعری نقش اصلی را ایفا می‌کند. بنابراین بررسی واژگان زبان‌شناسی درون گفتمان، به‌منزله بخشی از مجموعه رفتارهای فرهنگی، اندیشه‌های ویژه‌ای درباره رابطه میان زبان و فرهنگ برمی‌انگیزد.

این پژوهش شامل مقدمه، پنج فصل و خاتمه است. مؤلف در فصل نخست، «شیوع و تنوع آبشخورهای گفتمانی»، درباره آبشخورهای فرهنگی و تأثیر آن در سیطره بر مفاهیم رایج و فصل‌های مشترک فرهنگی - گفتمانی بحث می‌کند. موضوع فصل دوم، «تکرار به‌مثابه عمل فرهنگی - زبان‌شناختی» (رهیافتی زبان‌شناختی به فهم معنای مشترک و فلسفه گفت‌وگو) درباره فلسفه تکرار، مسئله تکرار در متن‌های گفت‌وگو: مشابهت لفظی یا مبادله معرفتی؟، ویژگی‌های فرهنگی تکرار، تکرار لفظی و کارآمدی گفت‌وگو، هندسه صوتی تکرار و تأثیر آن در دریافت‌کننده است.

فصل سوم، «بافت‌های فرهنگی و بافت‌های گفتمانی» (ابزار نشانه‌شناسی بافت‌های گفتمان شعری)، شامل سه مبحث است که عبارتند از: بافت فرهنگی تا بافت شعری: زهیافتی انتقادی به فهم تحولات بافت؛ مسئله ساخت بافت‌های شعری و شرایط تولید بافت شعری و رابطه آن با نظام گفتمان. فصل چهارم، «استعاره به‌مثابه نیازی برای تولید گفتمان» (رهیافتی نشانه‌شناختی به تحلیل متن‌ها و رابطه آنها با آبشخورهایشان)، چهار مبحث را شامل می‌شود. این مباحث عبارتند از: نشانه و استعاره: رابطه میان شناخت‌ها در معارضه‌ها؛ کارکرد نشانه‌شناختی استعاره، استعاره و کارکرد نشانه‌شناختی واژگان مکان، استعاره و کارکرد نشانه‌شناختی واژگان زمان. فصل پنجم و پایانی کتاب، «سنت‌های گفتمان و بافت‌های فرهنگ»، متضمن سه مبحث است که عبارتند از: ساخت نظام‌مند معرفت‌شناختی پرسش متن و دلالت نشانه‌شناختی آن، توصیف نشانه‌شناختی سنت‌های گفتمان و ساخت دیالکتیکی آن.

این اثر، پژوهشی مهم در حوزه زبان‌شناسی نوین و فرهنگ و پیوند میان آنها

زبان‌شناسی گفتمان و شیوه‌های فرهنگ
لسانیات الخطاب و انساق الثقافة.
عبدالفتاح احمد یوسف، بیروت:
الدار العربیة للعلوم ناشرون؛ الجزائر:
منشورات الاختلاف، ۲۸۰ ص،
الطبعة الاولى، ۲۰۱۰ م.

دکتر عبدالفتاح احمد یوسف، پژوهشگر
مصری، درباره مسئله پیوندهای معرفتی میان
بافت‌های فرهنگ و زبان‌شناسی گفتمان و

نظام هدایتی پیچیده آن بحث کرده و بر آن است تا نقش عنصرهای فرهنگی را در اعطای ویژگی تعامل و دادوستد و نشر به گفتمان‌ها نشان دهد، به‌طوری که از این طریق برای خواننده روشن می‌شود که رابطه‌ای عمل‌گرایانه و پراگماتیستی میان بافت‌های فرهنگ و سنت‌های گفتمان وجود دارد.

این پژوهش همچنین به بررسی رابطه میان ساختار ذهنی نوآور و ساخت گفتمانی پرداخته و به این نتیجه می‌رسد که ساخت گفتمانی بر داده‌های معرفتی پی‌ریزی می‌شود که ممکن است ساخت ذهنی آنها را به‌مثابه یک تولید فکری یافته‌های جامعه‌شناختی - فرهنگی از سویی و از سوی دیگر نشانه زبان‌شناختی که شاعر تجربه‌اش را با آن بیان می‌کند، فراهم آورد.

مؤلف می‌نویسد: در این اثر بر آن هستم تا از کارآمدی و توانمندی پیوند زمینه‌های معرفتی و فرهنگی با زبان‌شناسی گفتمان شعری، از طریق مسئله رابطه میان نظام گفتمان و قاعده‌های فرهنگ و با سودبردن از پروژه‌های نقد فرهنگی، پرده بردارم، با امید به درک این حقیقت که زبان‌شناسی گفتمان ممکن است در رویکردهای مختلف و مبتنی بر شرایط تولید گفتمان فرهنگی و معرفت‌تطور و تکامل یابد. وی سپس متذکر می‌شود که از ابتدا گرایش خود را به عمل و رفتار انتقادی روشمند اعلام می‌کند که خواستار پرتوافکنی بر اهمیت تأسیس فرهنگی زبان‌شناسی گفتمان شعری است و تمام مناقشات را که ممکن است درباره رابطه علم زبان‌شناسی با زمینه فرهنگی یا بافت‌های فرهنگی - به‌مثابه ایدئولوژی‌ای که در زبان‌شناسی گفتمان نمود می‌یابد و در



به‌شمار می‌رود که مؤلف در آن کوشیده با ایجاد استراتژی فرهنگی، فهمی کیفی از زبان شناسی نوین به‌دست دهد تا فهم عمیق‌تری از نشانه‌های زبان شناسی درون گفتمان فراهم شود.

نظریه ادب و متن شناسی

فی نظریه الادب و علم النص. ابراهیم خلیل، الجزائر: منشورات الاختلاف، الطبعة الاولى، ۲۰۱۰ م.



این کتاب متضمن مجموعه‌ای از پژوهش‌ها و مقالاتی است که اندیشه واحدی، یعنی رابطه متن با تابعیت، گفتمان و زبان، آنها را گرد هم آورده است. این کتاب مجموعه‌ای از پرسش‌ها را مطرح می‌کند، همانند چگونه

باید میان متن و گفتمان تفاوت قائل شویم؟ آیا گفتمان متن بوده یا اینکه هر متن گفتمان است؟ قاعده‌هایی که متن‌ها بر اساس آنها ساخته می‌شوند، چیست؟ آیا آنها، همان قاعده‌های نحوند که در کتاب‌های نحو می‌بینیم یا اینکه متن قاعده‌های دیگری دارد که متفاوت و متمایز است؟ چه زمانی اندیشه سخن درباره قاعده‌های متن و علم نحو متنی یا زبان شناسی متن پدید آمد؟ آیا در میراث کهن یونانی و عربی چیزی وجود دارد که مقدمه‌ای بر این علم جدید باشد؟ آیا این ادعا درست است که نظریه نظم عبدالقاهر جرجانی با این نحو، که نحو متن نامیده می‌شود، ارتباط دارد؟ و نیز پرسش‌های دیگری چون نوگرایی که به قاعده‌های ساخت متن‌ها از زاویه نحو پرداختند، چه کسانی بودند؟ دیدگاه‌های آنان چیست؟ رابطه قالب با بافت چیست؟ قاعده‌های انسجام نحوی چیست؟ جایگاه این نحو متنی در نقد زبان شناختی عربی کجاست؟ آیا نظریه گونه‌های ادبی تأثیری در متمایز ساختن متن از غیر متن دارد؟ نقش زبان شناسی ساخت‌گرا و ساختار شکن و ... درباره نگرش نقد جدید به ساخت متن‌ها و دریافت آنها مبتنی بر اصولی فراتر از برداشت‌های شخصی و پیش‌بینی‌های شخصی که تابع معیار نظری‌ای نباشد، چیست؟ کتاب شامل دو بخش است. بخش نخست درباره «نظریه ادب» است و بخش دوم به موضوع «متن شناسی» اختصاص دارد.

مسائل نحو عربی: درباره مسائل نحو گفتمان کارکردگرا مسائل النحو العربي: فی قضایا نحو الخطاب الوظيفی. احمد المتوکل، بیروت: دار الكتاب الجديده، ۱۴۳ صف الطبعة الاولى، ۲۰۰۹ م.



احمد متوکل، زبان شناس و پژوهشگر مغربی و استاد زبان شناسی دانشگاه محمد الخامس

مغرب و استاد میهمان برخی از دانشگاه‌های غربی است. وی عضو مؤسسه بین‌المللی زبان شناسی کارکردگرا و صاحب بیش از بیست اثر به زبان‌های عربی، فرانسه و انگلیسی است که از آثار وی به عربی می‌توان آفاق جدیدی فی نظریه النحو الوظيفی، اللسانیات الوظيفیة: مدخل نظری و الوظائف التداولیة فی اللغة العربیة را نام برد.

احمد متوکل در این کتاب الگویی برای گفت‌وگوی روشمند، مفید و ممکن میان اندیشه زبان عربی کهن و آموزش زبان شناسی نوین به دست می‌دهد. برخی از مسائل وارد شده در باب‌های متفرقه علم نحو گردآوری شده و در چارچوب نظریه نحو کارکردگرای گفتمان در سه قضیه گفتمانی اصلی، یعنی متصل و منقطع، متراکم و ملحق و مرکز و اطراف نمود یافته است. مؤلف در این پژوهش نیز، همانند پژوهش‌های دیگر، در صدد پیوند دادن بحث زبان شناسی کهن عربی و زبان شناسی نوین عربی با رویکردی کارکردگرای واحد است تا دستگاه توصیف‌گر واحدی ایجاد کند که پاسخ‌گوی نیازهای نظریه‌پردازی زبان شناسی علمی بوده و بررسی پدیده‌های زبانی را در زبان عربی و زبان‌های دیگر بر اساس پیوند ساخت زبان با نقش آن و پیروی نقش از زبان به عهده گیرد.

زبان شناسی عربی معاصر

فی اللسانیات العربیة المعاصرة. خالد اسماعیل حسان، بیروت: مکتبة الاداب، الطبعة الاولى، ۲۰۱۰ م.



این کتاب در چهار فصل به بررسی برخی از مسائل زبان شناسی و آواشناسی مهم زبان عربی از طریق پیوند دادن میان آواها، معنا، قرائت‌های شاذ و نادر می‌پردازد. مؤلف در فصل نخست، اجزای دستگاه گفتاری انسان، صامت‌ها را از حیث مخرج، اظهار و ادغام بر اساس مطالعات آواشناسی، علم تجوید قرآن، واکه‌ها، واج‌ها و سطح‌های تحلیل زبانی شناسایی و بررسی می‌کند. فصل دوم، با فرهنگ مختصری درباره نشان دادن اختلاف گویش‌های عربی از جنبه‌هایی شروع می‌شود. پس از آن پنج مبحث ارائه می‌شود که عبارتند از: دگرگونی‌های تاریخی آوایی، واج انسدادی حلق، تلفظ بدون تشدید، صامت‌ها، واکه‌ها، ادغام و عنوان‌های گویشی در قرائت‌های شاذ.

فصل سوم به معرفی مجموعه مفهیمی مانند اشباع صوتی در زبان عربی از نظر متقدمین و متأخرین اختصاص دارد. فصل چهارم و پایانی کتاب بحثی درباره پدیده تنافر در زبان عربی است که یکی از مهم‌ترین بحث‌ها در زمینه مطالعات آوایی معاصر است. تردیدی نیست که بررسی قرائت‌های شاذ در شناخت دگرگونی‌های آوایی زبان عربی مفید است. زیرا در میان آنها گاهی پدیده‌های آوایی یافته می‌شود که از نظر تاریخی ریشه‌دارتر از قرائت‌های صحیح و متواتر است. این بررسی همچنین میزان حفظ صامت‌ها را در زبان عربی به میزان زیادی نشان می‌دهد. این مسئله زمانی مشخص می‌شود که

زبان عربی را با گونه‌های همانند آن در زبان‌های سامی مقایسه کنیم. ادولف دنتس در این باره می‌گوید: به‌رغم آنکه زبان عربی فصیح نسبت به زبان‌های دیگر سامی، در دوره‌های متأخرتر، یعنی سده هفتم میلادی به کتابت درآمد، اما ساخت بسیار کهن خود را حفظ کرده است که آن هم‌ردیف زبان‌های آکدی و اوغرتی قرار می‌دهد و قدمت آن در حفظ حالت‌های اعرابی سامی در اسم مشخص نمی‌شود، بلکه به طور مشخص در زمینه آوایی تجلی می‌یابد.

مؤلف برخی از مثال‌ها و نمونه‌ها را برای مباحث خود ذکر کرده که هدف‌های مورد نظر وی را از بررسی قرائت‌های شاذ از جنبه آوایی نشان داده و آن را به گویش‌های کهن عربی پیوند می‌دهد. همچنان که شرایط زبانی و آوایی گویش‌های عربی را که در برخی از قرائت‌های شاذ قرآن نمود یافته است، رصد کرده و بدین ترتیب قرائت‌های شاذ را ملاک متن زبانی قرار می‌دهد. زیرا این ملاک برای داوری درباره آرای زبان‌شناسان شایسته‌تر است. از جمله این مثال‌ها به این آیه قرآن کریم می‌توان اشاره کرد: «و هم من کل حذب ینسلون». گروه کاتبان قرآن کریم، آن را «حذب»، ابن مسعودی، ابن عباس، کلیبی، ضحاک، مجاهد و ابو الصهباء به جای آن، «جدث» که به معنای قبر و زبان اهل حجاز است، قرائت کرده‌اند. «جذف» نیز قرائت شده که در زبان بنی تمیم به مفهوم قبر است. ابن جنی بر این باور است که فاء در جذف به جای ثاء در جدث است و هر دو به‌عنوان اینکه ریشه باشند، جایز است. در عین حال یکی از دیگری حوزه گسترده‌تری دارد. برخی از زبان‌شناسان عرب معتقدند که فاء تحول‌یافته ثاء است. تفسیر آوایی نیز این رأی را می‌پذیرد. زیرا آواهای دندان (ث، ذ و ظ) هنگام گفتار بر روی زبان سنگینی می‌کند. از این رو ثاء به فاء تغییر کرده است. در آیه «فادع لنا ربک یخرج لنا مما تبتت الأرض من بقلها و قنائها و فومها و عدسها و بصلها»، ابن مسعود، ابن عباس، عبدالله بن ابی به جای «و فومها»، «و ثومها» آورده‌اند. در حالی که در قرائت صحیح «و فومها» قرائت شده و در مقایسه با آنچه درباره آیه قبلی گفته شد، مشخص می‌شود که فوم به جای ثوم است، طوری که فاء مرحله تغییر از ثاء است. همچنان که می‌توان قرائت «فومها» را به بنی تمیم و قرائت «ثومها» را به حجازیان نسبت داد.

این مثال‌ها نشان می‌دهد که قرائت شاذ، سند تاریخی است که مراحل تطور و دگرذیسی گویش‌های کهن عربی و دگرگونی‌های آوایی برخی از الفاظ را نشان می‌دهد.

تحلیل متن داستانی: روش‌ها و مفاهیم
تحلیل النص السردی: تقنیات و مفاهیم. محمود بوعزه. الجزائر: منشورات الاختلاف، الطبعة الاولى، ۲۰۱۰ م.

این کتاب در صدد رفع نیاز خوانندگان از مرجعی کاربردی در تحلیل متن داستانی و عرضه معرفتی روش‌شناختی و کاربردی



درباره مهم‌ترین مفاهیم و تکنیک‌های بنیادی در تحلیل متن داستانی است. مؤلف در مقدمه کتاب می‌نویسد: در میان تعدد مراجع و آثار در زمینه «تکنیک‌های داستان‌نویسی و تحلیل گفتمان رمان‌نویسی و ساختار فرم رمان‌نویسی»، وجود مرجعی آسان و ساده درباره ابزارها و مفاهیم آن، برای پشت‌سر گذاشتن مشکلات و اشکالات روش‌شناختی، چه در زمینه قرائت چه در زمینه تأویل، ضروری به‌نظر می‌رسد. به‌ویژه از سوی نویسندگانی که گفتمان‌شان به نظریه‌پردازی و انتزاعی‌سازی اصطلاحات گرایش دارد. و رویکردشان به نظریه‌پردازی مبتنی بر جنبه‌های کاربردی و رفع موانعی است که برای شکل‌گیری گفتمان انتقادی از جنبه‌های نظری و معرفت‌شناسی ایجاد می‌شود.

مؤلف در این اثر بر آن است تا رویکرد متفاوتی در دو شق ارائه دهد:

۱. معرفی مهم‌ترین نظریه‌ها و تکنیک‌های تحلیل متن داستانی؛
۲. عرضه دستنامه‌ای از نمونه‌ها و کاربردها به‌منظور جمع میان عمل‌گرایی و داشتن شناخت انتقادی برای تشویق خوانندگان بر اجرای قرائت روشمند متن داستانی از طریق تحلیل ساخت‌های زیبایی‌شناختی آن و شناسایی و رصد قاعده‌هایی که آن را در حکم یک گونه روایی پدید می‌آورد. این شرایط به او فرصت می‌دهد تا آنچه را که در نشانه‌شناسی قرائت، توانش ادبی نامیده می‌شود، کسب کند؛ یعنی توان تعامل با متن داستانی و ساخت‌ها، ارزش‌ها و خیال آن با به دست آوردن ابزارهای تحلیلی و مهارت‌های تفکیک عناصر ساخت آن و بازسازی آنها.

کتاب شامل درآمدی بر مهم‌ترین تکنیک‌ها و روش‌های تحلیل داستان و هفت فصل است. فصل نخست، «مفهوم رمان: نظریه و شکل‌گیری» درباره مفهوم رمان، شکل‌گیری و دگرذیسی رمان عربی بحث می‌کند. فصل دوم، «پویاگرایی فرم رمان‌نویسی» به بحث در خصوص انواع رمان، رمان و زندگی‌نامه‌نویسی اختصاص دارد. فصل سوم، «ساخت شخصیت‌ها»، به بررسی موضوعاتی چون مفهوم شخصیت، نشانه‌های شخصیت، فرم‌های ارائه، طبقه‌بندی شخصیت‌ها، پیوندها و عوامل می‌پردازد.

فصل چهارم، «نگرش داستانی»، به بررسی مفهوم روایت، گونه‌های نگرش داستانی و موقعیت‌های داستان‌نویس اختصاص دارد. فصل پنجم، «ساخت زمان مبتنی بر سطح مفهوم زمان»، درباره تفاوت‌های زمانی و ضرب‌آهنگ داستان‌نویسی / زمان از جنبه آهستگی / سرعت است. در فصل ششم، «ساخت مکان»، درباره مفهوم مکان و نمونه‌های مکانی بحث می‌شود. فصل هفتم، «فرم‌های روایت»، به موضوعاتی نظیر مفهوم فرم، انواع فرم و تعدد فرم‌های روایت اختصاص دارد. پایان‌بخش کتاب، نمایه اصطلاحات و منابع و مآخذ است.

پی‌نوشت

* دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عربی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران شمال.